

راه‌زن‌ها

حتماً تا به حال داستان‌هایی خوانده‌اید که در حین خواندن توی دلتان بگویید کاش زودتر تمام شود؛ البته از این نظر که کنجکاوی زودتر بدانید آخرش چه می‌شود! کتاب «راه‌زن‌ها»، نوشته حسین فتاحی که «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» آن را منتشر کرده، از این مدل کتاب‌هاست. داستان ساده‌ای دارد، اما در عین سادگی، صفحه‌ها را که ورق می‌زنید، مرتب خواهید گفت: «خب، بعدش چه می‌شود؟ آخرش چی؟» و این قضیه تا صفحه‌های آخر رمان ادامه دارد. از این نظر برایتان جذاب خواهد بود.



رضا و زینل، دو نوجوان این داستان، نزدیک روستایشان به سوار تشنه و گرسنه‌ای برمی‌خورند. آب به‌اش می‌رسانند و جان‌ش را نجات می‌دهند، اما بعد معلوم می‌شود که آن شخص پیک راه‌زن‌ها بوده و پیغامی برای پدر رضا آورده. اینکه چه پیغامی آورده و جواب پدر رضا که کاروان‌سالار است، چه بوده را در کتاب خواهید خواند. داستان از اینجا شروع می‌شود...

درباره کتاب

در کتاب راه‌زن‌ها، فضاها و شخصیت‌های متفاوتی را خواهید دید که شاید این تفاوت‌ها را دوست داشته باشید. مثلاً اینکه بدانید، قدیم‌ها چطوری می‌شد با کاروانی از یزد راه افتاد و به مشهد رفت! آن هم همراه با یک عروس و داماد... آن هم با هول و ولای حمله راه‌زن‌ها به کاروان... در این کتاب، ساریان و شتر و تفنگ‌دار می‌بینید، بیابان و کوه و دره و کاروان، و تا صفحه‌های آخر همراه شخصیت‌های داستان خواهید بود.

گاهی تجربه زندگی نویسنده به صورت مستقیم می‌تواند به آثار داستانی‌اش انتقال یابد. گاهی هم این تجربه‌ها از طریق شنیدن تجارب دیگران به آثار داستانی راه می‌یابند. بچه بودم که عمه‌ام می‌گفت پدر بزرگ من کاروان‌سالاری بوده که در بیابان راه‌زنی را می‌گیرد. راه‌زن به دلایلی از دست پدر بزرگ خلاصی می‌یابد و نه تنها موفق می‌شود دست‌هایش را باز کند، بلکه او را هم می‌کشد. این موضوع همیشه ذهن مرا به خود مشغول می‌کرده. من ساعت‌ها با پیرمردهای شتردار صحبت می‌کردم و از آن‌ها درباره تقسیم کار در یک کاروان و اینکه چه کسی باید رئیس شود و چه کسی راه‌دار، سؤال می‌کردم که بعدها این پیرمردها خود به خود به شخصیت‌های داستانی‌ام تبدیل شدند و تجربه‌ای شدند برای نوشتن اصلی داستان نزدیک شد. ضمن این که مسئله «تعلیق» هم به شخصیت‌های نوجوان بسیار مهم است. چون او به دنبال جذابیت در داستان است و از همان ابتدای داستان این جذابیت باید در اثر وجود داشته باشد.



درباره نویسنده



سهیلا موسوی سیرجانی (استاد زبان و ادبیات فارسی): حسین فتاحی از داستان‌ش از همه قدرت احساس و درک خود بهره می‌گیرد و نحوه استفاده از عناصر داستان در رمان‌های او، از میزان آگاهی وی از موضوع خبر می‌دهد. در آثار فتاحی کشمکش و جدال وجود دارد؛ به خصوص در رمان‌های جنگی‌اش. برای مثال، در رمان «عشق سال‌های جنگ»، ما با داستانی واقعی و قابل درک و با موضوعی حادثه‌پردازانه روبه‌رو هستیم که نویسنده در آن، سختی‌های فتاحی هم زیباست و این نوع پرداخت را در شروع و پایان داستان‌های فتاحی هم زیباست و تأثیرگذار است. رمان «آتش در خرمن» به ویژه در پایان زیبای آن می‌توان دید. در بعضی از آثار فتاحی نقش زنان بسیار پررنگ و تأثیرگذار است. زنانه (مادر و همسر بودن)، پا به پای مردان نقش‌های اجتماعی، شجاعانه و حماسی برعهده دارند.

زندگی‌نامه نویسنده

سال ۱۳۳۶ در یزد به دنیا می‌آید. شاید هم در روستایی از یزد؛ چون در جایی خواندم که از او پرسیده بودند وقتی دلتان می‌گیرد، چه می‌کنید؟ و جواب داده بود: من بچه روستا هستم، اصلاً دلم نمی‌گیرد. اگر با طبیعت همراه باشیم، دلمان نمی‌گیرد. (چه خوب!) سال ۷۵ اولین داستانش را می‌نویسد. آن موقع معلم ریاضی دوره راهنمایی بوده و چون دوستی و رابطه خوبی با بچه‌ها داشته، تصمیم می‌گیرد که برای نوجوان‌ها بنویسد. با این حال اولین داستانش را سه سال کناره می‌گذارد تا این که سال ۱۳۶۰ آن را به امیرحسین فردی می‌دهد که بخواند. وقتی برای گرفتن جواب می‌رود، می‌بیند که بخش اول داستان در کیهان بچه‌ها چاپ شده! به این ترتیب تشویق می‌شود به نوشتن و نویسنده می‌شود. حسین فتاحی در حوزه تألیف و ترجمه و بازنویسی آثار کلاسیک فارسی برای کودکان و نوجوانان آثار زیادی منتشر کرده است. اولین رمانش «مدرسه انقلاب» است. بعد هم «کودک و توفان» و «آتش در خرمن» که این رمان آخر به عنوان کتاب برگزیده سال ۶۷ معرفی شد. بعدها سریالش را هم برای تلویزیون ساختند. فتاحی آثار دیگری هم دارد؛ مثل پسران جزیره، امیر کوچولو هشتم، بازنویسی قصه‌های شاهنامه و... خلاصه اینکه نویسنده پرکاری است و آثارش هم جوایز زیادی را دریافت کرده‌اند.